نگاه

هزینه تفکر هوشمندسازی

محمدتقی سبزواری

● وزیر آموزش و پرورش در مصاحبه با «شبکه خبر» اظهار داشت: منظور من از هوشمندسازی، ایجاد تفکر هوشمندسازی و نه صرفا هوشمندسازی مدارس بوده است. من می‌خواهم ضرورت هوشمندسازی را گوشزد کنم (نقل به مضمون). باید عرض شود که شعارهایی همچون «تا سه‌سال دیگر تمامی مدارس هوشمند خواهد شد.»؛ الزام مدارس به هوشمندسازی حتی با نصب یک ویدیو پروژکتور، ارایه آمارهای ساختگی از سوی ادارات، تنها نشان‌دهنده تفکر هوشمندسازی نیست. اظهارنظرهای اینچنینی نشان‌دهنده اقدامات بلندپروازانه است. در حالی که چندماهی بیشتر از آغاز سال اول هوشمندسازی نمی‌گذرد، مشخص شده که قبای پرزرق و برق هوشمندسازی برازنده تن نحیف آموزش و پرورش نیست. شعار هوشمندسازی نیازمند مقدماتی است که در صورت عدم تهیه مقدمات، همانند شعار «مدیریت جهانی» بعضی از دولتمردان است. وزیر در مصاحبه فوق‌الذکر بر تعطیل‌ناپذیری تربیت تاکید می‌کند ولی از ذم اقدامات عجولانه در امر تربیت سخنی به میان نیاورد. هوشمندسازی مدارس، هدف یا وسیله مقدسی است. پایان‌نامه تحصیلی اینجانب «ارجحیت آموزش با استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی بر تدریس معلم» بوده است. به‌خوبی به زیر و بم‌های آموزش‌های رایانه‌ای آشنایی دارم. هوشمندسازی نیازمند تمهیداتی است که ذیلا اشاره می‌شود: ۱- وجود کارگاه‌های رایانه‌ای و استفاده از اینترنت برای تمامی دانش‌آموزان امکان‌پذیر باشد. رایانه وسیله آموزشی لوکس قلمداد نشود. چنددرصد مدارس ما از این امکان برخوردارند؟ ۲-آشنایی کامل معلمان و دست‌اندرکاران امر آموزش به رایانه و کاربرد آن. نزدیک به دو سوم از معلمان، با سیستم‌عامل و نرم‌افزارهای بسیار ساده آشنایی ندارند. معلمانی که با طرز تهیه اسلایدهای نمایشی، تایپ متون و استفاده از اینترنت و... آشنایی ندارند، با فرض قرار گرفتن در انبار سخت افزارهای متنوع چه خلاقیتی می‌توانند از خود نشان دهند؟ ۳-بسیاری از مدیران قادر به استفاده از کامپیوتر و انجام کارهای خویش از قبیل گرفتن بخشنامه و فرستادن نامه نیستند. آموزش مدیران و حذف مدیران بی‌باور به آموزش مدرن از ضروریات است. تفکر هوشمندسازی، بیش از آنکه مشوقی برای رقابت آموزشی باشد؛ به راهی برای سودآوری شرکت‌های توزیع‌کننده این قبیل سخت‌افزارها تبدیل شده است. ایجاد انگیزه در مدیران واحدهای آموزشی و رقابت شرکت‌های رایانه‌ای، شائبه وجود انگیزه‌های مادی را ایجاد می‌کند.

فستیوال تعطیلات و خلسه آموزش در مدارس ایران

دانش‌آموزان ایرانی از ۹۷روز مانده به پایان سال تحصیلی تنها ۴۳روز در کلاس درس می‌نشینند

شرق: مدارس کشور یک هفته مانده به آغاز تعطیلات عید نوروز تعطیل شدند. به عبارت دقیق‌تر دانش‌آموزان از ۹۷روز مانده تا پایان سال تحصیلی تنها ۴۳روز در کلاس‌های درس می‌نشینند و باقی روزها، یعنی ۵۴ روز را تعطیل هستند. از مدارس شهر تهران و سایر مدارس کشور خبر می‌رسد، روز گذشته آخرین روز حضور دانش‌آموزان در کلاس‌های درس بوده و اگر کسی در روزهای اداری و تعطیل نشده آخر سال به مدرسه خود مراجعه کند، با کلاس‌های بدون دانش‌آموز و معلم مواجه می‌شود. هم اکنون شرایط موجود در آموزش و پرورش به نحوی است، که مشخص نیست در این وزارتخانه چه می‌گذرد. ترافیک طرح‌های بی‌سرانجام سرنوشت مبهمی را برای آموزش و پرورش کشور رقم زده است. حالا مهم‌ترین بخش و عملکرد این وزارتخانه یعنی در معرض آموزش قرار دادن دانش‌آموزان ایرانی با بی‌نظم‌ترین شرایط ممکن خود مواجه شده است. حمیدرضا حاجی‌بابایی وزیر آموزش و پرورش نیز در حال دامن زدن به این بی‌نظمی است. او پیش از این اعلام کرد، آموزش و پرورش قصد دارد به دولت پیشنهاد تعطیلی مدارس در روز ۱۴فروردین را اعلام کند. هم اکنون با یک حساب سرانگشتی می‌توان دریافت که تا پایان سال تحصیلی ۹۱-۹۲، ۹۷ روز باقی مانده است. مدارس کشور از امروز به تعطیلی رفته‌اند تا ۱۷فروردین ماه. پس از آن از ۱۷فروردین تا اول خرداد سرکلاس درس می‌نشینند و پس از آن با امتحانات زودهنگام به دلیل برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری مواجه می‌شوند. به عبارت دیگر دانش‌آموزان ایرانی از ۹۷ روز مانده به پایان سال تحصیلی تنها ۴۳ روز در کلاس درس می‌نشینند و باقی روزها یعنی ۵۴ روز دیگر را در تعطیلی به سر می‌برند یا در کلاس‌های درس حضور ندارند.

پیچاندن کلاس و دست و دلبازی آموزش و پرورش

نرفتن سر کلاس و تعطیل کردن کلاس درس تا پیش از این اقدامی هماهنگ شده از سوی دانش‌آموزان بود. کمتر کسی است که به یاد نداشته باشد، در روزهای آخر سال اکثریت دانش‌آموزان پچ‌پچ‌کنان، نغمه تعطیل کردن کلاس را سر می‌دادند. اما معمولا همه تیرها به سنگ می‌خورد و دانش‌آموزان مجاب می‌شدند تا روزهای پایان سال در کلاس‌های درس، باشند. حالا شرایط به کلی تغییر کرده است به طوری‌که آموزش و پرورش هم وارد بازی دانش‌آموزان شده است و کار برای آنها راحت‌تر است. شبنم مادر یکی از دانش‌آموزان در منطقه۴ آموزش و پرورش می‌گوید: «فرزند من در مقطع دبیرستان امروز (سه شنبه) تعطیل شد و چند روزی است که می‌گوید، معلمان و باقی همکلاسی‌هایش همدیگر را برای تعطیلی تشویق می‌کنند و هستند دانش‌آموزانی که از روز ۲۰اسفند به مدرسه نیامده‌اند.» حسینی پدر یکی از دانش‌آموزان قمی نیز در اینباره می‌گوید: «من امروز (سه شنبه) از کادر آموزشی مدرسه دلیل تعطیلی را پرسیدم و عنوان کردند آموزش و پرورش بخشنامه‌ای در این‌باره برای ما ارسال نکرده است و تصمیم‌گیری با ماست.» او می‌افزاید: «مسوولان مدرسه عنوان می‌کنند، وقتی دانش‌آموزان تمایلی به آمدن به کلاس درس ندارند، آموزش و پرورش هم بخشنامه قوی‌ای در اینباره ندارد، کاری از دست ما ساخته نیست.» با این تفاصیل مشخص نیست، روند آموزشی و کیفیت آموزشی مدارس کشور در زمانی که آموزش و پرورش به تعطیل شدن کلاس‌های درس دامن می‌زند، دچار چه سر نوشتی می‌شود و دانش‌آموزان ایرانی با چه اندوخته‌های آموزشی‌ای در جلسه امتحان حاضر می‌شوند.

دستور احمدی‌نژاد برای ساماندهی «وی‌پی‌ان»ها

شرق: چند روز پس از اختلال جدی در سیستم VPN روز گذشته وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از دستور محمود احمدی‌نژاد، رییس‌جمهوری برای ساماندهی VPNها خبر داد. محمدحسین نامی در پایان نشست روز چهارشنبه هیات دولت در گفت‌وگو با ایرنا، این مطلب را بیان کرد. نامی افزود: سازمان‌های مختلفی درگیر موضوع VPNها هستند که با ارایه گزارشی به رییس‌جمهوری، وی امروز دستور ساماندهی VPNها را به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات صادر کرد. پیش از این نیز دبیر شواری فضای مجازی گفته: ثبت‌نام برای اشخاص حقیقی خدمات قانونی VPN به‌زودی ارایه می‌شود.

اخوان در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران افزود: قرار بر این است که پس از ثبت‌نام برای اشخاص حقیقی خدمات قانونی VPN به‌زودی ارایه شود تا در این قالب امکان فعالیت VPNهای غیرقانونی از بین برود. وی با اشاره به زمان اعلام فراخوان برای ثبت‌نام اشخاص حقیقی اعلام کرد: به‌زودی سایتی برای ثبت‌نام این درخواست‌ها باز خواهد شد. مرکز عالی فضای مجازی اظهار کرد: در حال حاضر این شرکت از نظر فنی با محدودیت‌هایی مواجه است و منتظریم با دسترسی به این توانمندی در آینده‌ای نزدیک ثبت‌نام برای درخواست VPNهای حقیقی آغاز شود. براساس گفته‌های این مقام مسوول یکی از دلایلی که این خدمات در کشور ارایه می‌شود، دسترسی به سرویس‌هایی است که به پروتکل‌های رمز نیاز دارد، مثل خدمات بانکی موسسات مالی که به این خدمات برای ارتباطاتشان نیاز دارند. اخوان بهابادی گفت: در کشور ما بعضا از این استاندارد برای دور زدن سامانه فیلترینگ استفاده می‌شود در حالی که در دنیا چنین کاربردی به صورت متداول وجود ندارد. وی البته ارایه خدمات قانونی VPN را راهکاری برای ساماندهی فضای فیلترینگ کشور دانست و افزود: همزمان اقدام بهتری آماده شده است که اعلام عمومی می‌شود تا به سایت‌هایی که مردم فکر می‌کنند به اشتباه فیلتر شده است و محتوای مجرمانه‌ای داخل این سایت‌ها نیست دسترسی وجود داشته باشد. براساس تعریف، VPN دو کامپیوتر یا دو شبکه را به کمک یک شبکه دیگر که به عنوان مسیر انتقال به کار می‌گیرد به هم متصل می‌کند. برای نمونه می‌توان به دو کامپیوتر یکی در تهران و دیگری در مشهد که در فضای اینترنت به یک شبکه وصل شده‌اند اشاره کرد. VPN از نگاه کاربر کاملا مانند یک شبکه محلی به نظر می‌رسد. در کشور ما بسیاری برای دور زدن فیلترها از این سیستم استفاده‌می‌کنند.

کمتر «اس‌ام‌اس» بزنید، بیشتر کتاب بخوانید

کامیار عبدی

*** من نگران روزی هستم که فناوری از برهم کنش رودررو انسانی ما پیشی بگیرد. «در این صورت» جهان را نسلی از افراد ابله فراخواهد گرفت.**

آلبرت اینشتین

چندی پیش از یکی از انتشاراتی‌های باسابقه کشور کتابی خریدم نه چندان عامیانه و نه چندان عالمانه؛ از آن دست کتاب‌هایی که هرکس که مدعی تحصیلکرده بودن و دانشگاه رفته بودن است، بهتر است بخواند تا به دید بهتری نسبت به آنچه در جهان اطرافش می‌گذرد دست یابد. وقتی کتاب را باز کردم و به صفحه حقوق آن نگریستم بسی شگفت‌زده شدم: کتاب اول بار در سال ۱۳۴۹ با تیراژ ۲۲۰۰۰نسخه منتشر شده بود، در سال ۱۳۵۳ با تیراژ ۱۷۰۰۰ نسخه، در سال ۱۳۶۳ با تیراژ ۷۰۰۰ نسخه و در نهایت، در سال ۱۳۹۰ با تیراژ ۲۰۰۰ نسخه تجدید چاپ شده بود. اگر آمار و ارقامی که من به آنها مراجعه کرده‌ام صحیح و دقیق باشند در سال ۱۳۴۹ جمعیت ایران حدود ۲۶میلیون‌نفر، در سال ۱۳۵۳ حدود ۳۱میلیون‌نفر، در سال ۱۳۶۳ حدود ۴۰میلیون‌نفر و در سال ۱۳۹۰ حدود ۷۰ میلیون‌نفر بوده است، بنابراین، ناشر در سال ۱۳۴۹ که درصدد چاپ اول کتاب بوده بازار سنجی کرده و به این نتیجه رسیده که تقریبا هشت‌درصد مردم کشور، یعنی حدود ۲۲۰۰۰ نفر این کتاب را خواهند خرید (و خواهند خواند). کاهش تیراژ به ۱۷۰۰۰ نسخه در سال۱۳۵۳ را، در حالی که جمعیت کشور به ۳۱میلیون‌نفر افزایش یافته (یعنی حدود ۵/۵درصد مردم)، می‌توان به گسترش کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی از زمان چاپ نخست نسبت داد که قشر کتابخوان می‌توانستند این کتاب و کتاب‌های مشابه را از آنها امانت گرفته و مطالعه کنند و نیازی به خرید آن نداشته‌اند. افت شدید به ۷۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۶۳ (یعنی فقط ۰/۰۱۷۵درصد مردم) را نیز می‌توان به حال‌وهوای آن سال‌های کشور نسبت داد که مردم دل و دماغی برای کتاب خواندن نداشتند، در حالی که عموم روانشناسان معتقدند مطالعه یکی از آرامش‌بخش‌ترین فعالیت‌ها و روش موثری برای تمدد اعصاب است. اما تیراژ ۲۰۰۰نسخه‌ای در سال ۱۳۹۰ با جمعیت ۷۰میلیون‌نفری (یعنی فقط ۰/۰۰۲۸درصد مردم) با توجه به گسترش وسیع نظام آموزشی عالی کشور بین سال ۱۳۶۳ و ۱۳۹۰ بسیار تامل‌برانگیز است. برای اینکه مطمئن شوم که همان مساله امانت گرفتن کتاب از کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی در این میان متغیر تعیین‌کننده‌ای هست یا نیست به کتابخانه دو دانشگاه بزرگ و مهم کشور (دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی) مراجعه کردم و دیدم که در یکی از این کتابخانه‌ها برای آخرین‌بار در سال ۱۳۶۵ امانت گرفته شده و در کتابخانه دیگر دانشگاه اصلا هیچ‌گاه امانت گرفته نشده است! نکته دیگر فواصل زمانی انتشار کتاب است: چاپ اول (۱۳۴۹) با چاپ دوم (۱۳۵۳) چهار سال فاصله دارد، اما فاصله چاپ دوم (۱۳۵۳) تا چاپ سوم (۱۳۶۳) ۱۰سال فاصله دارد (که شاید بتوان آن را تا حدودی به وقوع انقلاب و جنگ نسبت داد که ذهن مردم را کارهایی مهم‌تر از مطالعه به خود مشغول کرده بود)، اما فاصله چاپ سوم (۱۳۶۳) تا چاپ چهارم (۱۳۹۰)، یعنی ۲۷سال، چندان نشانه خوبی نبود. مولفه‌ها و متغیرهایی را که در بالا به آنها اشاره کردم کنار بگذاریم، این اعداد و ارقام و تناسب‌ها را می‌توان به کاهش شدید در میزان کتابخوانی مردم ایران نسبت داد. بهانه‌ای حی‌وحاضر که بسیاری کاهش مطالعه را به آن نسبت می‌دهند افزایش سرسام‌آور قیمت کتاب است که با شرایط دشوار مالی که اکثر مردم با آن دست به گریبانند پولی برای خرید کتاب باقی نمی‌گذارد. اما باید توجه کنیم که افزایش نجومی قیمت کتاب پدیده است که در همین دو سال اخیر و به دلیل تحریم‌های اقتصادی و سقوط ارزش پول ملی موجب شده. برای درک بهتر مطلب، باید خاطرنشان کنم که بهای این کتاب در سال ۱۳۴۹ (چاپ اول) ۲۵ریال بوده، در سال ۱۳۵۳ (چاپ دوم) ۴۵ریال، در سال ۱۳۶۳ (چاپ سوم) ۴۸۰ریال و در سال ۱۳۹۰ (چاپ چهارم) ۸۰هزار ریال. طبیعتا این افزایش قیمت در میزان خرید کتاب بین اقشار کم‌درآمد تاثیر دارد، اما در سال‌های ۱۳۴۹، ۱۳۵۳ و ۱۳۶۳، ۲۵ یا ۴۵ یا ۴۸۰ ریال پول چندانی نبود؛ حتی امروز هم ۸۰هزارریال برای یک کتاب بهای چندانی نیست. به قول یک کتابفروش که معمولا برای خرید کتاب به او مراجعه می‌کنم «مردم حاضرند شلوار ۱۵۰ هزار تومانی بخرند و پای پسرشان بکنند یا دست اهل‌وعیال را گرفته و بروند چند تا پیتزا بخورند و ۵۰هزارتومان بدهند، اما به کتاب که می‌رسد آموناله‌شان بلند می‌شود که چرا کتاب این‌قدر گران شده!» در تایید فرمایش این کتابفروش باید اضافه کنم که در مقابل زحمت و هزینه‌ای که صرف تالیف یا ترجمه، حروفچینی، صفحه‌بندی و چاپ یک کتاب می‌شود تا به قیمت هشت‌هزارتومان- یا حتی ۲۰ تا ۳۰هزارتومان برای برخی دیگر از کتاب‌ها در این روزها- به فروش برسد به مراتب بیش از یک ساندویچ (پنج‌هزارتومان)، پیتزا (۱۰هزارتومان) یا چلوکباب برگ (۱۷ هزار تومان) است. بنابراین، به‌نظر نمی‌رسد مساله قیمت کتاب عامل تعیین‌کننده و کلیدی در این افت شدید در تیراژ کتاب‌ها باشد (حاجت به تذکار است که در دو سال اخیر حتی شاهد تیراژ عجیب هزار یا حتی ۷۰۰نسخه‌ای نیز بوده‌ایم که حداقل از نظر اقتصادی، تحلیل هزینه-منفعت چاپ را دشوار می‌کند.) در ادامه باید تصریح کنم که با وجود بازار داغ ترجمه و تالیف کتاب، مطالعه در کشور ما به عده‌ای کوچک از قشر خرده بورژوا محدود است؛ نه قشر مرفه جامعه اهل مطالعه است، نه قشر به اصطلاح «آسیب‌پذیر» (یا همان مستمند خودمان). مردم چنان درگیر روزمرگی هستند که روزنامه هم به‌ندرت می‌خوانند، چه برسد به کتب سنگین در باب مسایل فلسفی و سیاسی. در تاکید بر اینکه مطالعه فقط کار گروهی خرده بورژواست همان که بخش عمده‌ای از کتاب‌هایی که ترجمه یا تالیف و منتشر می‌شود به مباحث به اصطلاح روشنفکرانه مربوط می‌شود که به مسایل روزمره زندگی در ایران ارتباط چندانی ندارند. اگر باور نمی‌کنید به یکی از کتابفروشی‌های روبه‌روی دانشگاه تهران یا، مخصوصا حوالی پل کریم‌خان، بروید و ببینید چقدر از آنها کاربرد عملی دارند یا به مسایل روز مربوط می‌شود؛ آن‌قدر کتاب از فلاسفه قرن ۲۰ فرانسه یا درباره آنان و مباحث فلسفی و تاریخی چاپ شده که خود من سرسام می‌گیرم. از آن‌سو، کتاب‌های سبک و سخیف، فروش قابل‌توجهی دارند که نه تنها به خواننده چیزی نمی‌آموزند، بلکه موجب استحمار و بلاهت آنان می‌شوند. کتاب‌های اریک فن دانیکن و ذبیح‌الله منصوری هم که همواره بازارشان داغ است. اما چنین به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مشکل این است که اکثریت قریب به اتفاق ما ایرانیان یا اهل مطالعه نیستیم یا حتی، به دلیل فشارهایی که در دوران تحصیل متحمل شده‌ایم، مطالعه را کاری عذاب‌آور می‌دانیم. بگذریم، نکته دیگر زمانی به ذهنم خطور کرد که مسافران مترو و اتوبوس‌های شهری را در تهران با چند شهر اروپایی (مانند لندن، پاریس و برلین) و آمریکایی (مانند نیویورک و شیکاگو) مقایسه کردم. سوای انبوه بیشتر مسافران در خطوط مترو و اتوبوس تهران در مقایسه با شهرهایی که به آنها اشاره کردم کارهایی است که مردم انجام می‌دهند. در شهرهای خارجی اکثر مسافران در حال خواندن کتاب هستند، اما به جرات می‌توانم بگویم که حداقل در مترو یا اتوبوس شهری تهران تا به حال حتی یک نفر را ندیده‌ام که کتاب بخواند. بیشتر مردم در حال حرف زدن با هم هستند، یا زل زدن به در و دیوار یا نگاه کردن به دیگران. اگر هم کسی در حال مطالعه باشد، احتمالا روزنامه است. در اتوبوس‌ها و قطارهای بین شهری و حتی در هواپیما در پروازهای داخلی یا خارجی نیز که مردم دیگر کشورها علاوه بر مطالعه کتاب به صور دیگر، مانند کار با لپ‌تاپ‌های خود مشغول گذراندن وقت هستند، ما ایرانیان یا آن روزنامه را که میهمانداران هواپیما در اختیارمان گذاشته‌اند ورقی می‌زنیم یا منتظریم که زودتر غذا بدهند یا فیلم سینمایی حین پرواز را نشان دهند تا بعدش بگیریم بخوابیم. این وضعیت بین نسل جوان شدیدتر است. تا به حال به یاد ندارم که نوجوان یا جوانی را در محلی عمومی (مانند تاکسی، اتوبوس، مترو، پارک و هواپیما) دیده باشم که مشغول مطالعه باشد، حتی مطالعه روزنامه؛ نوجوانان و جوانان معمولا یا در حال صحبت با دوستانشان از طریق تلفن‌همراهشان هستند، یا هدفون در گوش مشغول گوش‌دادن به موسیقی، یا صحبت با دوستانشان. چند تا از نوجوانان را هم که در خانه دوستان و آشنایان دیده‌ام باز رغبتی به مطالعه نداشتند و یا باز در حال صحبت با دوستانشان با تلفن بودند، یا در حال بازی‌های کامپیوتری، یا گردش در اینترنت، یا تماشای فیلم. آیا اینان همان ابلهانی هستند که به قول مرحوم اینشتین روزی جهان را فراخواهند گرفت؟ ما که با مطالعه و کتابخوانی بزرگ شدیم چه گلی به سر خودمان و کشورمان زدیم که اینان که با مطالعه و کتابخوانی غریبه‌اند. آینده را تیره‌وتار می‌بینم.

خبر

تشکری هاشمی:

شهروندان تنها ۱۰درصد هزینه بلیت مترو خود را می‌پردازند

● **شرق**، جعفر تشکری هاشمی، معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران با تکرار گلایه‌های همیشگی‌اش درباره پرداخت نشدن اعتبارات حمل و نقل از سوی دولت گفت: سهم ۵۰درصدی حمل و نقل در بودجه شهرداری به ۶۰درصد رسیده است. وی افزود: هزینه هر سفر شهروندان با مترو حدود ۱۲۰۰ تومان است که تنها ۱۰درصد از آن از شهروندان اخذ می‌شود و شهرداری برای تامین یارانه این بلیت‌ها روزانه سه‌میلیارد تومان هزینه می‌کند که سالانه ۹۰۰میلیارد تومان می‌شود و ماهانه ۲۱میلیارد تومان نیز برای پرداخت حقوق پرسنل شهرداری هزینه می‌شود و اخیرا نیز ۷۰۰میلیارد تومان برای خرید اتوبوس در نظر گرفته شده است و اینها همه باعث شده که حمل و نقل بیش از ۵۰درصد اعتبار شهرداری را به خود اختصاص دهد که نیمی از آن مربوط به حمل و نقل است. تشکری هاشمی تاکید کرد: درخواست ما این است که حداقل سهمیه ۴۲درصدی شهرداری از جرایم را پرداخت کنند چرا که زحمتی برای تولید این ثروت هم متحمل نشده‌اند. وی در پاسخ به سوال «شرق» درباره نشست زمین در تقاطع ولیعصر- مولوی، تلفات و علت عدم اطلاع‌رسانی در این زمینه گفت: علت حادثه بر اساس کارشناسی‌های به‌عمل‌آمده ترکیدگی لوله ۴۰ اینچی آب بوده است و باید گفت شبکه آب زیرزمینی فرسوده و کهنه است و دستگاه تی‌بی‌ام مدت‌ها بود که از این محل عبور کرده اما کارگاه ما در محل حادثه قرار داشت. معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران در ادامه گفت: شب حادثه پس از ترکیدگی لوله و نفوذ آب به کارگاه، کارگران برای بررسی حادثه به محل رفتند و یکی از این کارگران توسط حفره بلعیده و متاسفانه کشته شد.

جمع‌آوری و اصلاح ۱۲۰۰ مانکن نامتعارف در فارس

● **فارس:** فرمانده انتظامی فارس گفت: طرح جمع‌آوری مانکن‌های نامتعارف در فارس استمرار دارد و در دو هفته گذشته در شیراز، ۳۲ واحد صنفی متخلف در این راستا پلمب شده‌اند. سیروس سجادیان اظهار داشت: در راستای پیشگیری از جرایم امنیت عمومی و صیانت از حقوق شهروندان، فرماندهی انتظامی فارس، طرح جمع‌آوری مانکن‌های نامتعارف در دستور کار ما قرار گرفت و با حضور پلیس، سازمان صنعت و معدن، مجمع امور صنفی و برخی از دستگاه‌های فرهنگی، ستادی در این زمینه راه‌اندازی و جلساتی به منظور توسعه آموزش‌های همگانی و استفاده صحیح از مانکن در واحدهای صنفی برگزار شد. این مسوول افزود: در دو هفته این ماموران با رعایت ضوابط انتظامی و شوونات اسلامی ضمن بازدید از ۳هزارو۱۹۹ واحد صنفی، یک‌هزارو۹۷۰واحد متخلف مورد توجیه و ارشاد قرار گرفتند، از ۵۸۴ واحد صنفی متخلف تعهد اخذ شده، یک‌هزار و ۲۷۳مانکن نامتعارف جمع‌آوری و اصلاح شده و ۳۲واحد صنفی متخلف پلمب شد. وی گفت: استفاده از مانکن (زن یا مرد) به نحوی که پس از پوشیدن لباس به دلیل تنگ و چسبان بودن برجستگی‌های بدن مشخص باشد، استفاده از مانکن زن بدون شال و روسری یا مقنعه، استفاده از مانکن با آرایش غلیظ و زننده به شکلی که موهای مانکن زن قابل رویت باشد نیز ممنوع اعلام شد.

وزارت بهداشت:

واردات سرنگ غیراستریل واقعیت ندارد

● **فارس:** مدیرکل تجهیزات پزشکی وزارت بهداشت گفت: واردات سرنگ‌های غیراستریل به کشور واقعیت ندارد و تمام ادعاهای مطرح شده در این زمینه کذب است. ضمن اینکه در سرنگ‌های تولیدی هلال احمر سرنگ‌های زنگ زده و حاوی مو دیده شد که با آنها برخورد کردیم. رضا شاهمرادی افزود: صحبت‌های مدیرعامل شرکت تجهیزات پزشکی هلال احمر مبنی بر مشاهده مواردی از سرنگ‌های غیراستریل از چین به کشور واقعیت ندارد و تمام سرنگ‌هایی که با مجوز وزارت بهداشت از کشورهای مختلف از جمله چین به کشور وارد شده استاندارد هستند. وی در پاسخ به این پرسش که آیا واردات سرنگ از چین داریم گفت: بله واردات سرنگ از چین و اروپا داریم که البته بیشتر سرنگ‌های وارداتی چینی هستند که مشکلی از نظر کیفیت ندارند و به علت قیمت پایین‌تر توجیه واردات دارند.

خبر خوان

- **شرق: فرماندار تهران گفت: با توجه به اینکه قبرهای بهشت‌زهرای تهران در حال پنج طبقه شدن است، مکان جدیدی در جاده سمنان جایابی شده و از سال ۹۲ اموات تهران به آرامستان جدید منتقل می‌شوند**
- **ایلنا: عضو کانون صنفی معلمان: حذف پیک نوروزی به دلیل گرانی کاغذ است**
- **ایسنا: رییس انجمن داروسازان گفت: همه داروخانه‌های شبانه‌روزی در ایام نوروز باز هستند**
- **مهر: رییس سازمان بهزیستی از اجرای طرح پیشگیری از اعتیاد شیشه از روز پنجشنبه ۲۴اسفندماه جاری در مناطق ۲۲گانه شهر تهران خبر داد**
- **مهر: مدیر عامل مرکز کنترل ترافیک شهری تهران از توزیع ۳۳۰هزار مجوز طرح ترافیک روزانه در سال ۹۱ خبر داد**